

تنهایی جمعی

ما اکنون وارد دورهٔ برده‌داری نوین و نوعی «سرمایه‌داری سکویی (پلتفرمی)» شده‌ایم که در کتاب «دنیای قشنگ نو» به بهترین نحوه تصویر کشیده شده است.

برخلاف حالت اسطوره‌ای که **جورج اورول** در کتاب «۱۹۸۴» به تصویر می‌کشد: برادر بزرگ‌تر شخصیت داستان را در اختیار دارد و نمی‌گذارد خلاف او فکر کند. اما در دنیای قشنگ نو این حکمرانی کاملاً نادیدنی است و با سرگرم کردن و شست‌وشوی ذهنی، توهم آزادی و انتخابگری به فرد دست می‌دهد. این جوان به ظاهر آگاهی‌اش بیشتر است و خودش انتخاب می‌کند، اما دقیقاً کدام زمینه برای انتخابش فراهم شده است؟ وقتی از انتخاب حرف می‌زنیم، از گزینه‌ها می‌گوییم. کدام گزینه‌ها در دسترس او قرار گرفته‌اند و کدام از دسترس او دور نگه داشته می‌شوند؟

یک سازوکار طبیعی و مشخص وجود ندارد که همهٔ موارد به یک اندازه در معرض انتخاب جوان امروزی قرار بگیرند. بنابراین، توهم انتخاب به وی دست می‌دهد؛ چیزی که **هایدگر** از آن به عنوان «پرتاب‌شدگی» یاد می‌کند. ما در حال پرتاب‌شدگی هستیم و انتخاب ما قوهٔ اختیارمان نیست، بلکه شرایط محیطی و غریزهٔ ماست. جوان، چون گزینه‌های پیش رویش زیاد است، احساس انتخابگری می‌کند. وقتی با جست‌وجو در گوگل می‌تواند به هر چیزی که می‌خواهد برسد، احساس می‌کند دانسته‌هایش زیادند. اما کدام دانسته‌ها در جهت رشد فردی و نیازهای واقعی و نه کاذب او هستند؟

این قضیه در سرمایه‌داری سکویی خودش را نشان می‌دهد. یک مجموعه معیار جلوی جوان قرار دارند؛ تصویری و مصرف‌شدنی. وب‌نویس‌ها (بلاگرها) و چهره‌ها (سلبریتی‌ها) جلوی نظرش هستند تا موفقیت‌ها و لذت‌های آتی را ببیند؛ آن هم به جای لذت‌های آتی و موفقیت‌های تدریجی. وقتی خودآگاهی باشد، برنامه‌ریزی هم هست که من واقعاً به چه موردی نیاز دارم و چه مواردی برای رفع نیازم به کارم می‌آیند.

حسین حق پناه

دیجیتال شدن خصبهٔ نسل شما محسوب می‌شود. عارضهٔ اصلی دیجیتال شدن، احساس انتخاب است. چه این انتخاب کاذب باشد یا واقعی، به هر حال در شما احساس انتخاب به وجود می‌آورد.

در گذشته این احساس انتخابگری نبوده، چرا که ابزار و زمینهٔ آن وجود نداشته است. اما الان، حداقل در دنیای دیجیتال، این امکان برای شما مهیا شده است. من؟ بازیگری را دوست دارم، ولی قرار نیست شبیه او زندگی کنم. شخصی را قبول ندارم، ولی مدل موهایش خوب است. به طور عمده، این انتخاب در حوزهٔ سبک زندگی و در لایه‌های سطحی‌تر فرهنگی اتفاق می‌افتد؛ در لایهٔ نمادین یا در نهایت در لایه‌های هنجاری. اما این انتخابگری در لایه‌های عمیق‌تر خود را کم‌رنگ‌تر نشان می‌دهد یا ممکن است شما همین‌طور فکر نکرده، از جای دیگری آن را پذیرفته باشید، مثلاً در مورد حیا و عفاف.

دیجیتال شدن و دسترسی به هویت‌یابی به نسل شما احساس انتخابی داده است که نسل‌های گذشته آن را نداشتند. در حال حاضر امکان جست‌وجو بین گزینه‌های متعدد وجود دارد و گاهی احساس می‌شود حریم‌هایی که باید وجود داشته باشند دیگر مطرح نیستند. قبلاً قدرت گفتمان در خانواده، مدرسه و رسانه بالا بود، فرد احساس عاملیت نمی‌کرد و ساختارها تعیین‌کننده بودند. و حال، مهم‌ترین کاری که این ابزارها کرده‌اند، این است که ساختارها در چشم نسل شما آن جایگاه سابق را نداشته باشند.

حاضر باش ناظر باش

حق انتخاب
با خودمه

ما وارد دوره برده‌داری نویسن و سرمایه‌داری سکویی شده‌ایم.

باید در مسیر خودآگاهی قرار گیرید. شما امروز از همه نسل‌های قبلی جلوتر هستید، چرا؟ چون دسترسی‌های بیشتری دارید. نسل‌های قدیم خودآگاهی داشتند، اما این دسترسی و امکانات را نداشتند. حال این زمینه ایجاد شده است و شما با خودآگاهی می‌توانید به بهترین نتیجه برسید.

هرچه به لایه‌های ظاهری و سبک زندگی توجه می‌شود، تکثر خودش را بیشتر نشان می‌دهد. هرچه در لایه‌های عمیق فرهنگی، اعتقادی، اراده، نیت، ایمان و باور پیش می‌رویم، به وحدت نزدیک‌تر می‌شویم. البته تکثر هم هست. میل به معنویت و درک فرافیزیکی از دنیا در وجود همه نسل‌ها هست، اما در مصداق متکثر می‌شوند و نوعی دوقطبی ایجاد می‌شود.

دوباره برگردید به مطالب مجله در مهرماه و آبان ماه؛ هم شکاف میان نسلی و هم خصلت‌های نسل شما، از طریق این رمزینه می‌توانید به محتوای دو شماره قبل رجوع کنید.

با شما نسل جوان امروزی باید گفت‌وگو کرد تا به فهم مشترک رسید و تکثرها را رفته‌رفته به وحدت رساند. ما فقط از منظر جامعه‌شناسی با شما جوانان برخورد می‌کنیم. اگر فقط روان‌شناسانه به نسل شما نگاه کنیم، بُعدهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی دوره‌تان را نادیده گرفته‌ایم. مسئله تلخ بعدی این است که ما در مسئله‌شناسی حتی وارد آکادمی علمی هم نمی‌شویم! نگاه ما به حوزه جوان، گاهی سیاسی می‌شود. اصلاً جوان چه زمانی مهم می‌شود؟ وقتی بنیان‌های اخلاقی جامعه را تهدید می‌کند! در اقتصاد توجه، جوان طعمه کارآمدی است، چرا که وقت بیشتری دارد، راحت‌تر فریب می‌خورد و بیشترین دسترسی را به فضای هوشمند دارد. جوان ایرانی فارغ از کثرتی که در بروز هویت خود دارد، در لایه‌های عمیقی که دارد، باید نسبتش را با اسلام، انقلاب و ایران بسنجد که ذیل هر کدام مفاهیم بسیاری مطرح هستند.

شما قرار است در ۳۰ سالگی نتیجه کاری را که الان کرده‌اید ببینید. مهم‌ترین چالش، نداشتن نگاه بلندمدت و تدریجی به حضور شما در عرصه‌های گوناگون است. مسئله بعدی در مهارت‌های حل مسئله است که به شدت چندبعدی هستند. تا وقتی مسئله را خوب فهم نکنیم، نمی‌توانیم برایش راه‌حلی در نظر بگیریم.

مثلاً آنچه با آن روبه‌رو هستیم، رسانه نیست، دیجیتال است و این دو باهم فرق دارند. اگر تمایز این دو را بفهمیم، متوجه می‌شویم راه‌حل سواد رسانه‌ای نیست. رسانه پیام را از فرستنده به گیرنده منتقل می‌کند. معمولاً یک طرفه است و چرخه بازخورد در آن دیده می‌شود. در دنیای دیجیتال مسئله فقط پیام نیست، یک مدل زیست است. خرید و فروش، تجارت، سرگرمی و ارتباط میان فردی در آن رخ می‌دهد. دیجیتال در آینده با روی کارآمدن بیشتر هوش مصنوعی و فراجهان (متاورس)، بیش از پیش هم مطرح می‌شود. در دنیای دیجیتال، فقط سواد به معنای کلاسیک جوابگو نیست. سواد کلاسیک یعنی دانش و مهارتی می‌آموزیم که با آن توانایی نوشتن یا حساب و کتاب را کسب می‌کنیم. آیا دانش مبتنی بر مهارت مسئله ما را حل می‌کند؟ خیر.

